

حیدر علی قلمداران

نابغہای گمنام

نویسنده:
عبد اللہ حیدری

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت های مفید

www.aqeedeh.com

www.islamtxt.com

www.ahlesonnat.com

www.isl.org.uk

www.islamtape.com

www.blestfamily.com

www.islamworldnews.com

www.islamage.com

www.islamwebpedia.com

www.islampp.com

www.videofarda.com

www.nourtv.net

www.sadaiislam.com

www.islamhouse.com

www.bidary.net

www.tabesh.net

www.farsi.sunnionline.us

www.sunni-news.net

www.mohtadeen.com

www.ijtehadat.com

www.islam411.com

www.videofarsi.com

بسم الله الرحمن الرحيم
فهرست مطالب

حیدر علی قلمداران نابغه‌ای گمنام.....	۳
آشنایی قلمداران باشخصیت‌های معاصر.....	۵
جریان ترور و دیگر حوادث ناگوار زندگی استاد قلمداران.....	۷
اخلاق والا و آزاد منشی استاد قلمداران.....	۱۰
آثار و تألیفات استاد قلمداران:.....	۱۰

حیدر علی قلمداران نابغه‌ای گمنام



شاید کمتر کسانی باشند که بدانند روزی تمام ملت ایران کنونی اهل سنت بوده است، و اهل سنت یعنی دوستداران واقعی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و صحابه‌ی جانفدای آن حضرت، که با چشم حقیقت به دین و زندگی می‌نگرند، پس اهل سنت واقعی با شیعه‌ی واقعی یعنی دوستدار علی علیه السلام و صلی الله علیه و آله هیچ فرقی نمی‌کند، مشکل فقط در افراط و تفریط است، حقایق را وارونه جلوه

دادن نه شیعیست است و نه سنیت، صحابه‌ی فداکار رسول الله صلی الله علیه و آله را ملعون خواندن و یاران و همسران و خانواده‌ی درجه یک پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله را لعنت و نفرین کردن نه تنها پیروی از علی نیست بلکه دشمنی با علی و پیامبر و دین علی است، و غلو و افراط درباره‌ی اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله نه تنها محبت با پیامبر و اهل بیت حضرتش نیست که دشمنی با آنان است.

آری، امروز نیز در جامعه‌ی کنونی ایران علماء و دانشمندانی هستند که حاضر به تقلید کورکورانه از خرافات موجود در جامعه‌ی کنونی ایران نیستند بلکه با حس حقیقت جویی در تلاش حق مخلصانه گام برمی‌دارند و آنچه از قرآن و سنت واقعی برایشان حق بنماید بدور از تعصب آن را با جان و دل می‌پذیرند.

اما متأسفانه کمتر کسانی در ایران بزرگ با علماء و دانشمندانی همچون آیت الله شریعت سنگلچی و آیت الله العظمی سید رضا بن ابوالفضل البرقی، و علامه اسماعیل آل اسحاق و استاد حیدر علی قلمداران و دکتر علی مظفریان، و دکتر مرتضی راد مهر و ده‌ها عالم و دانشمند دیگری آشنا هستند که مذهب پدری را با تشخیص دقیق رها کرده و مکتب حق را برگزیده‌اند، گرچه شخصیت‌های مذکور همگی به رحمت خدا رفته‌اند اما آثار گرانبهایشان نشان دهنده و معرف شخصیت‌های والای این بزرگواران است، اینک به

مناسبت نشر یک اثر گران سنگ استاد حیدر علی قلمداران شما را با چهره این مرد مجاهد و دانشمند، و متفکر و اسلام شناس بی نظیر ایران زمین آشنا می‌کنیم البته پیشاپیش از خانواده و شاگردان و دوستداران این استاد بزرگوار پوزش می‌طلبیم که اطلاعات ما جسته گریخته و پراکنده است چنانچه نقص و اشتباهی ملاحظه فرمودند ما را ببخشند.

حیدر علی قلمداران فرزند اسماعیل در سال ۱۲۹۲ خورشیدی در روستای دیزیجان در ۵۵ کیلو متری جاده قم- اراک از توابع شهرستان قم در خانواده‌ای کشاورز و نسبتاً فقیر چشم به جهان گشود، در پنج سالگی مادرش را از دست داد، و به علت فقر و عاجز ماندن از پرداخت حتی دو قران پول مکتب خانه روستا از حضور در کلاس درس زن آخوند محروم بود، فقط پشت در می‌ایستاد و مخفیانه به درس پیرزن گوش می‌داد، باری بدلیل پاسخ دادن به همه‌ی پرسش‌های پیرزن که بچه‌ها از آن عاجز مانده بودند اجازه یافت مجانی در کلاس شرکت کند.

به علت نداشتن قلم و کاغذ و شوق روز افزون خواندن و نوشتن از دوده‌ی حمام به جای مرکب و از کاغذهای اضافی ریخته به جای دفتر استفاده می‌کرد.

حیدر علی در سن پانزده سالگی پدرش را نیز از دست داد، پدر وی مردی خشن و تند مزاج و مخالف درس خواندن وی بود حیدر علی در سن بیست و هفت سالگی ازدواج کرد و در سی سالگی به خدمت اداری فرهنگ قم در آمد از آن پس که دائره‌ی تحقیقات و مطالعات وی گسترش یافته و قلمش از مهارت خوبی بهره یافته بود در روزنامه‌های استوار و سرچشمه در قم و وظیفه، در تهران مقاله می‌نوشت مجله یغما نیز مقالات و اشعار زیبای استاد را چاپ می‌کرد و همچنین مقالات فقهی و ارزشمندی در مجله‌ی وزین حکمت که آیت الله طالقانی و مهندس مهدی بازرگان نیز در آن قلم می‌زدند هم به چاپ می‌رسید.

باری در یک مجله‌ای که از سوی اداره‌ی فرهنگ به چاپ رسید مقاله‌ای منتشر شد که به حجاب اسلامی اهانت کرده بود استاد جوابیه‌ای قاطع و کوبنده‌ای در رد آن نگاشت و در مجله‌ی استوار به چاپ رساند این اقدام از سوی یک شخصیت فرهنگی، خشم رئیس

فرهنگ قم را برانگیخت، و در یک جلسه عمومی در برابر حضار از استاد انتقاد کرد و تهدید به اخراج وی نمود و استاد می‌گوید: من نیز اجازه خواستم و پشت تریبون رفتم و با کمال صراحت لهجه، سخنان پوچ و تهدیدات پوشالی وی را در برابر حضار پاسخ دادم، پس از سخنان من جلسه به هم خورد و الحمد لله هیچ اتفاقی برایم نیفتاد و رئیس فرهنگ پس از مدتی منتقل شد.

استاد می‌فرمود: علت انتقال رئیس فرهنگ قم اقدام یکی از روحانیون معروف قم بود که در آن وقت در قم درس اخلاق می‌دادند، ایشان بعد از قضیه‌ی اداره فرهنگ، کسی را به منزل ما فرستاد که با شما کار دارم وقتی نزد ایشان رفتم موضوع را جویا شدند، و پس از تعریف ماجرا گفتند ابدا نترس هیچ غلطی نمی‌تواند بکند من نمی‌گذارم این مردک در این شهر بماند اگر باز هم چیزی گفت جوابش را بدهید من در جواب گفتم: آقا پیش از اینکه شما حمایت کنید من جوابش را دادم چه رسد از این پس که شما هم وعده حمایت می‌دهید!

آشنایی قلمداران با شخصیت‌های معاصر

۱- «علامه شیخ محمد خالص».

از علمای مجاهد و مبارز مقیم عراق، آشنایی استاد با علامه خالصی با ترجمه‌ی کتاب «المعارف المحمدية» شروع شد و با ترجمه‌ی کتاب «الإسلام سبيل السعادة والسلام» و کتاب سه جلدی «إحياء الشريعة» و آثار دیگر علامه ادامه یافت، و دیدارهای بعدی و مکاتبات علمی را به دنبال آورد البته آقای خالصی مدتی بعد تحت تأثیر افکار روشنگرانه مرحوم قلمداران قرار گرفت وعلائم این تغییرات فکری او در آثار بعدی‌اش مشهود است، همچنین از تقریظ یا مقدمه‌ای که علامه خالصی بر کتاب ارمغان آسمان استاد نوشت این تأثر مشهود است ایشان می‌نویسد:

جوانی مانند استاد حیدر علی قلمداران در عصر غفلت و تجاهل مسلمین و فراموشی تعالیم اسلامی بلکه در عصر جاهلیت پی به حقایق اسلامی می‌برد و ما بین جاهلان

معاند، این حقایق را بدون ترس و هراس، باکمال شجاعت و دلیری منتشر می‌نماید چگونه ادای حق این نعمت را می‌توان نمود؟

استاد قلمداران در سفرهایی که به شهرهای عراق به ویژه کربلا نمود علاوه بر علامه خالصی با علامه کاشف الغطاء و علامه سید هبه الدین شهرستانی مؤلف کتاب «الهیة والإسلام» نیز ملاقات و آشنایی داشت، وی علاوه بر مکاتبات بی شماری که با علامه خالصی داشت با علامه شهرستانی هم درباره‌ی مسائل کلامی به وسیله نامه مباحثه کرد.

۲- مهندس مهدی بازرگان:

آنگونه که خود استاد نقل می‌کند نحوه آشنایی اش با آقای بازرگان این گونه بود: «یک روز که برای مراجعت از روستا به قم در کنار جاده منتظر اتوبوس ایستاده و مشغول مطالعه بودم متوجه شدم یک اتومبیل شخصی که چند مسافر داشت به عقب برگشت جلو بنده که رسید: آقایان تعارف کردند که سوار شوم در مسیر راه فهمیدم که یکی از سرنشینان آقای مهندس مهدی بازرگان است که گویا آن موقع [سال ۱۳۳۰ یا ۱۳۳۱ خورشیدی] مسؤولیت صنعت نفت ایران را به عهده داشتند و از آبادان بر می‌گشتند آقای بازرگان به بنده گفتند: برای من بسیار جالب بود که دیدم شخصی در حوالی روستا کنار جاده ایستاده غرق در مطالعه است» این اتفاق بذری دوستی و مودت را در میان ما پاشید و بارور ساخت تا جایی که مهندس بازرگان در کتاب بعثت و ایدئولوژی خود از کتاب «حکومت در اسلام» استاد استفاده فراوان نمود، و کتاب «ارمغان آسمان» استاد قلمداران نیز که قبلاً چاپ شده بود مورد توجه و پسند مهندس بازرگان واقع گردیده و برای دکتر علی شریعتی وصف آنرا گفته بود.

مهندس مهدی بازرگان پس از آزاد شدن از زندان چهار مرتبه برای دیدار با آقای حیدر علی قلمداران به قم آمدند.

۳- دکتر علی شریعتی کتاب «ارمغان الهی» را دیده بود و پس از شنیدن وصف کتاب آرمغان آسمان استاد قلمداران از زبان دانشمندان و دانشجویان روشنفکر دانشگاه بویژه مهندس بازرگان، بیشتر جذب افکار استاد گردید، همین امر باعث شد که دکتر در

آذر ماه سال ۱۳۴۲ خورشیدی نامه‌ای در این خصوص از پاریس برای استاد قلمداران بنویسد.

بعدها که دکتر شریعتی به ایران بازگشت به یکی ازدوستان خود آقای دکتر اخروی که با استاد قلمداران آشنایی داشت گفته بود که قلمداران سهم بزرگی در جهت بخشیدن به افکار من دارد و مشتاق دیدار او هستم اگر می‌توانید ترتیب این دیدار را بدهید اما متأسفانه این دیدار عملی نشد و دکتر شریعتی چشم از این دنیا فرو بستند.

۴- استاد مرتضی مطهری: نیز از اشخاصی بود که علاقه‌ای پنهان به استاد قلمداران داشت ولی از بیم سرزنش دیگران این علاقه‌اش را علنی نکرد و طبق اظهار آقای قلمداران در یک ملاقات خیابانی باری به وی گفته بود: کتاب ارمغان آسمان شما را خواندم بسیار خوب بود.

جریان ترور و دیگر حوادث ناگوار زندگی استاد قلمداران

پس از انتشار مخفیانه کتاب شاهراه اتحاد (بررسی نصوص امامت) و کمی پیش از پیروزی انقلاب یکی از آیات عظام قم به نام شیخ مرتضی حائری فرزند آیت الله شیخ عبد الکرم حائری مؤسس حوزه‌ی علمیه‌ی قم بواسطه‌ی شخصی از آقای قلمداران خواست که به منزل ایشان برود فردای آن روز که آقای قلمداران به خانه آقای حائری رفته بود ایشان به استاد گفته بود: آیا کتاب نصوص امامت را شما نوشته‌اید؟ استاد پاسخ می‌دهد: بنده نمی‌گویم من ننوشته‌ام اما در کتاب که اسم بنده به چشم نمی‌خورد! آقای حائری گفتند: ممکن است شما را به سبب تألیف این کتاب به قتل برسانند! آقای قلمداران فرمود: چه سعادتی بالاتر از این که انسان به خاطر عقیده‌اش کشته شود سپس آقای حائری گفتند: اگر می‌توانید همه را جمع‌آوری نموده و در خاک دفن کنید یا بسوزانید! ایشان پاسخ داد: در اختیار بنده نیست، فرد دیگری چاپ کرده، شما همه را خریداری کنید و بسوزانید! از طرفی این همه کتاب کمونیستی و تبلیغ بهائی‌گری در این کشور چاپ و منتشر می‌شود چرا شما در باره‌ی آنها اقدامی نمی‌کنید؟!.

پس از گذشت چند ماه از پیروزی انقلاب در تابستان ۱۳۵۸ خورشیدی شب بیستم رمضان سال ۱۳۹۹ هجری قمری که استاد قلمداران طبق عادت هر سال تابستان را در روستا می‌گذراند جوان مزدوری که از جانب کوردلان متعصب تحریک و مسلح شده بود نیمه شب وارد خانه‌ی استاد شد و او را در حالت خواب ترور کرده و گریخت، لیکن علی رغم فاصله بسیار کم گلوله فقط پوست گردن ایشان را زخمی کرد و در کف اتاق فرو رفت.

طبق اظهاراتی که از خود استاد نقل شده روز قبل از حادثه جوانی از قم نزد او آمده بود و در مورد پاره‌ای عقاید و نظریات ایشان و نیز درباره‌ی کتاب سؤالاتی کرده بود! بدون شک نوشتن کتاب خمس و شاهراه اتحاد انگیزه‌ی قوی این ترور بوده است. در هر صورت مشیت و تقدیر الهی مرگ استاد قلمداران را اقتضا نکرده بود! با این وجود استاد رفت و آمدش به روستا و فعالیتش را ادامه می‌داد.

تفصیل جریان ترور از این قرار بود که سه یا چهار نفر با یک اتومبیل شب بیستم رمضان وارد روستا شده اتومبیل را روی پل رودخانه روشن و آماده‌ی فرار نگه می‌دارند دو نفر از آنان آخر شب قبل از بسته شدن در خانه وارد باغچه‌ی منزل شده و لابلای درختان کنار دیوار کمین می‌کنند، چندین بار فرزندان استاد در خانه را می‌بندند اما با کمال تعجب می‌بینند مجدداً باز شده ولی هرگز متوجه قضیه نمی‌شوند مسلماً یکی از آن دو نفر مأمور بوده که در خانه را برای فرار باز نگه دارد نیمه‌های شب که اطمینان می‌کنند همه بخواب رفته‌اند فرد ضارب با چراغ قوه و اسلحه‌ی کمری وارد اتاق خواب استاد می‌شود، همسر ایشان که از ترس و دلهره خوابش نمی‌برد و در رختخواب نشسته بود فکر می‌کند پسرش علی است، لذا با اسم او را صدا می‌زند فرد تروریست که وضع را اینگونه می‌بیند با عجله اسلحه را به طرف استاد نشانه می‌رود و شلیک کرده و پا به فرار می‌گذارد، همسر استاد که زبانش از ترس بند آمده بود فقط فریاد می‌کشید و بچه‌ها نیز که با صدای گوله از خواب پریده بودند وحشت زده فریاد می‌کشیدند حاجی آقا را کشتند مردم روستا سراسیمه بیرون آمده و استاد را که خون از گردنش جاری بود به کنار جاده می‌رسانند و به وسیله‌ی یکی از اهالی روستا که با اتومبیل از قم می‌آمد به بیمارستان

کامکار می‌رسانند چند روز بعد جوانی که ظاهراً طلبه بود به منزل استاد مراجعه کرد و سراغ وی را گرفت پسر آقای قلمداران او را تعقیب می‌کند و می‌بیند که وارد یکی از حوزہ‌های علمیه در محله یخچال قاضی شهر قم گردید.

۲- حادثه تلخ دیگر در زندگی استاد وفات ناگهانی یکی از پسرانش در سال ۱۳۶۰ خورشیدی بود که منجر به تألم روحی عمیق وی گردید پس از این حادثه سکتہ مغزی آن مرحوم او را از فعالیت‌های قلمی و تحرک جسمی محروم ساخت و دیگر نتوانست کار تألیف را ادامه دهد لیکن مطالعه را حتی الامکان رها نداشت.

۳- دیگر واقعه‌ی تلخ زندگی استاد قلمداران زندانی کردن او در زندان ساحل قم بود از خود استاد شنیده شده که می‌فرمود: «روزی که من در اثر دو سکتہ‌ی مغزی پی در پی روی تخت خوابیده بودم دو نفر از طرف دادگاه انقلاب قم به منزل ما آمدند و بنده را به جرم واهی ضدیت با انقلاب اسلامی با مقداری از کتاب‌هایم با خود بردند و حتی اجازه ندادند داروهای خود را بردارم این در شرایطی بود که بنده اصلاً قادر به کنترل ادرارم نبودم و برای مواقع ضروری دستگاه مخصوص به همراه داشتم سپس مرا به زندان ساحل قم منتقل کردند و در حالی که فقط یک پتوی زیر انداز در سلول داشتم به علت شکسته بودن شیشه‌ی سلول تا صبح از سرما به دیوار می‌چسبیدم و شام هم به من نرسید زیرا سایر زندانیان چپاول کردند فقط یکی از زندانیان از سهم غذای خودش مقداری به من داد صبح هم اوضاع به همین منوال بود لذا مجبوراً نیت روزه کردم.

البته فرزندانم جریان دستگیری و زندانی شدنم را به منزل آیت الله منتظری که آن زمان قائم مقام رهبری بود اطلاع دادند (قابل ذکر است که آیت الله منتظری با استاد قلمداران دوستی دیرینه داشتند و از زبان استاد شنیده شده که می‌فرمود: آقای منتظری کتاب حکومت در اسلام مرا در نجف آباد اصفهان درس می‌دادند) یک وقت دیدم چند نفر پاسدار با دست پاچگی توأم با احترام و عذرخواهی صبح همان روز مرا از زندان بیرون آوردند و به خانواده‌ام اطلاع داده برایم لباس بیاورند سپس با گرو گرفتن سند مالکیت منزل بنده را آزاد کردند.

حالا تصور کنید که استاد قلمداران علاوه بر لطف و عنایت خداوند متعال اگر شخصیتی مانند آیت الله منتظری با ایشان رابطه‌ی دوستی نمی‌داشت و از ایشان حمایت نمی‌کرد چه بر سر ایشان می‌آمد، لازم به یاد آوری است که اداره اطلاعات قم در سال ۱۳۷۴ نمایشگاهی در گلزار شهدای این شهر برپا کرد به نام «مجاهدت‌های خاموش» که چند اثر استاد قلمداران را به عنوان افکار و عقاید انحرافی به نمایش گذاشته بودند کما اینکه در کنار آن اسناد و مدارکی علیه آیت الله منتظری نیز به چشم می‌خورد.

اخلاق والا و آزاد منشی استاد قلمداران

ایشان در طول زندگی شخصیتی راستگو، غنیف، راست کردار، عابد، زاهد، شجاع، سخاوتمند و صریح‌اللهجه بود و همه‌ی کسانی که به نحوی با ایشان ارتباط نزدیک داشته‌اند ایشان را انسانی والا، بی‌پیرایه، بی‌تکلف، و بی‌اعتناء به خوراک و پوشاک می‌شناختند. گویا استاد در این راستا به هم نامش علی علیه السلام و علیه السلام و سایر بزرگان دین اقتداء کرد. و زندگی اش شباهت زیادی به زندگی سلف و پیشگامان راستین این امت داشت.

با وجوی که می‌توانست در پناه نام بلند و پر آوازه و در پرتو قلم و علم و تحقیقات وافرش به مناصب و مدارج دنیوی دست یابد و برای خود و خانواده‌اش زندگی مرفهی فراهم آورد اما مشی زاهدانه اش مانع گرایش او به قدرت زمان و نیل به متاع و حطام دنیا و در پیش گرفتن تقیه و همراهی با خرافات و اباطیل گردید، و هرگز حقیقت را در پای جو حاکم ذبح نکرد، بلکه نام و نان و متاع زود گذر دنیا را فدای حق و حقیقت نمود. خوشا به سعادتش.

آثار و تألیفات استاد قلمداران:

استاد حیدر علی قلمداران علاوه بر مقالات عدیده‌ای که در روزنامه‌ها و مجلات مختلف به چاپ می‌رساند، تعداد قابل توجهی تألیف و ترجمه نیز دارد که همگی کتابهای ارزنده و محققانه‌ای است.

۱- ترجمه کتاب «المعارف المحمدية» که یکی از آثار علامه خالصی است، این کتاب قبل از سال ۱۳۲۵ خورشیدی ترجمه و چاپ شده است.

- ۲- ترجمه سه جلد کتاب «إحياء الشريعة» خالصی که تقریباً شبیه یک رساله‌ی توضیح المسائل بوده و با عنوان «آئین جاویدان» در سالهای ۱۳۳۰، ۳۶، و ۳۷ به چاپ رسیده است.
- ۳- «آیین دین یا احکام اسلام» ترجمه کتاب «الإسلام سبيل السعادة والسلام» این نیز از آثار علامه خالصی است که در سال ۱۳۳۵ خورشیدی ترجمه و چاپ شده است.
- ۴- تألیف کتاب مشهور «ارمغان آسمان» در سال ۱۳۳۹ خورشیدی که قبلاً به صورت سلسله مقالاتی در روزنامه‌ی وظیفه چاپ و منتشر شد.
- ۵- «ارمغان الهی» در اثبات وجود نماز جمعه در سال ۱۳۳۹ که ترجمه کتاب «الجمعه» علامه خالصی است.
- ۶- رساله‌ی حج یا کنگره‌ی عظیم اسلامی در سال ۱۳۴۰ شمسی.
- ۷- رساله‌ی «مالکیت در ایران از نظر اسلام» که دستنویس آن با خط خودش باقی مانده و هنوز چاپ نشده است.
- ۸- قیام مقدس حسین علیه السلام
- ۹- تألیف جلد اول کتاب ارزنده و معروف «حکومت در اسلام» در سال ۱۳۴۳ خورشیدی که طی ۶۸ مبحث اهمیت و کیفیت تشکیل حکومت از نظر اسلام را بررسی کرده است، و تا آن زمان در نوع خود بی سابقه و بی بدیل بود و شاید بتوان ادعا نمود که تاکنون نیز نظیر آن در ایران تألیف نشده است.
- از استاد شنیده شده که می‌فرمود آیت الله منتظری این کتاب را قبل از انقلاب در نجف آباد اصفهان درس می‌داده است.
- انگیزه‌ی تألیف این کتاب را استاد چنین بیان داشته است: «در شب دوشنبه بیست و هفتم محرم الحرام سال ۱۳۸۴ قمری برابر با هیجدهم خرداد ماه ۱۳۴۳ خورشیدی در خواب دیدم که با چند نفر در صحرای کربلا هستیم و چنین می‌نمود که وجود سید شهیدان و سرور آزادگان حسی علیه السلام از دنیا رفته و جنازه‌ی شریف ایشان در زمین به جای مانده و من باید ایشان را غسل دهم، و ظاهراً کسانی هم با من همکاری خواهند کرد، من

خود را آماده کردم و لنگی پیچیدم و خواستم وضو بگیرم که از خواب بیدار شدم، و تعبیر این خواب را چنین نمودم که من با نوشتن این رساله‌ی شریف و آثار دیگر چهره‌ی حقیقی و نورانی دین مبین اسلام را از گرده‌های اوهام و خرافات خواهم شست و پیکر مقدس اسلام را آنگونه که هست برای مردم نمایان خواهم کرد، لذا به شکرانه این نعمت به قیام تهجد اقدام کردم. والحمد لله.

پس از آن با استفاده از یادداشتهایی که در این موضوع تهیه کرده بودم بلافاصله صبح همان روز یعنی هجدهم خردادماه ۱۳۴۳ خورشیدی در قریه‌ی دیزيجان قم هنگامی که تعطیلات تابستان را می‌گذراندم به کار تألیف این رساله پرداختم.

۱۰- آیا اینان مسلمانند؟ در سال ۱۳۴۴ شمسی.

این کتاب کم حجم، ترجمه‌ی وصیت نامه‌ی علامه خالصی در بیمارستان است که در سال ۱۳۷۷ هجری قمری به منشی خود املا فرمود و بعداً تحت عنوان «هل هم مسلمون» به چاپ رسید، نیز به ضمیمه‌ی آن رساله‌ی کوتاهی است، به نام «ایران در آتش نادانی» که ترجمه‌ی قسمتهایی از کتاب «شر و فتنه الجهل فی ایران» اثر علامه خالصی می‌باشد.

۱۱- مجموعه‌ی پنج قسمتی «راه نجات از شر غلات» که در سال‌های پنجاه تا پنجاه و چهار نوشته شد و مباحث ذیل را شامل می‌شود: علم غیب، امامت، بحث در ولایت و حقیقت آن (که تا کنون چاپ نشده) بحث در شفاعت، بحث در غلو و غالیان که به ضمیمه‌ی شفاعت به چاپ رسید، و بحث در حقیقت زیارت و تعمیر مقابر، که به نام زیارت و زیارتنامه منتشر شد.

۱۲- کتاب «زکات» که احتمالاً در سال ۱۳۵۱ شمسی با همکاری مرحوم مهندس مهدی بازرگان در شرکت سهامی انتشار به چاپ رسید و تا مدتی از انتشار آن جلوگیری به عمل آمد.

۱۳- کتاب «خمس» که تقریباً همگام با کتاب «زکات» یا کمی پس از آن نگارش یافت اما به علت حساسیت روحانیت شیعه نسبت به موضوع خمس کتاب تحویل چاپ خانه نگردید، و تعدادی از همفکران استاد در اصفهان آن را تایپ نموده و با هزینه خودشان تکثیر و منتشر کردند. البته ردهایی نیز بر این کتاب به وسیله اشخاصی همچون آیت الله

ناصر مکارم شیرازی، و رضا استادی و غیره نوشته که آن مرحوم پاسخ کلیه آن ردود را نوشته و تعدادی را ضمیمه‌ی کتاب خمس نموده است.

۱۴- کتاب «شاهراه اتحاد» که این کتاب هم به سبب حساسیت شدید روحانیت شیعه نسبت به موضوع کتاب به صورت تایپ شده تکثیر و مخفیانه منتشر شد. اما نه توسط استاد بلکه توسط دوستانی در تهران این امر را به عهده داشتند. این کتاب حاوی بررسی حوادث پس از رحلت رسول خدا ﷺ و واقعه‌ی سقیفه‌ی بنی ساعده و موضوع خلافت پیامبر اسلام ﷺ و بحث جنجال بر انگیز امامت بود.

۱۵- شخصی روحانی به نام «ذبیح الله محلاتی» چند سال قبل از پیروزی انقلاب جزوه‌ای نوشت تحت عنوان «ضرب شمشیر بر منکر غدیر» و مطالب خلاف حقیقت در آن خبر درج کرد.

استاد قلمداران نیز رساله‌ای در جواب آن نگاشت به نام «پاسخ یک دهاتی به آیت الله محلاتی»!

۱۶- جلد دوم «حکومت در اسلام» که در سال ۱۳۵۸ خورشیدی انتشار یافت و به بررسی وظایف حکومت و حاکم اسلامی پرداخت.

۱۷- سنت رسول از عترت رسول ﷺ.

این بود معرفی کوتاهی از آثار استاد حیدر علی قلمداران.

اما قابل ذکر است که استاد علاوه بر تألیف و تصنیف و ترجمه و نوشتن مقالات دینی، سخنرانی‌ها و جلسات تحقیقی بسیاری نیز در شهرهای تهران (مسجد گذر و زیر دفتر در زمان امامت آیت الله سید ابوالفضل برقی) و تبریز و اصفهان داشتند، همچنین طی یکی از سفرهایشان به کربلا در روز عاشورا سخنرانی مهمی در صحن قبر امام حسین ﷺ ایراد فرمود که متن آن در کتاب «زیارت و زیارتنامه» آمده است.

این دانشمند محقق و چهره‌ی کم نظیر ایران زمین پس از سالها تحمل مشقات و رنجهای زندگی، مجاهدت در راه نشر احکام و حقایق دین مبین اسلام و تحمل هشت سال بیماری طاقت فرسا که توأم با صبری ایوب وار بود در روز جمعه ۶۸/۰۲/۱۵ بعد از سحر روز ۲۹ رمضان المبارک ۱۴۰۹ قمری در سن هفتاد و شش سالگی دار فانی را وداع

گفت. و به دیدار معبود یگانه اش شتافت، و عصر همان روز با حضور عده ای از همفکرانش و طی مراسمی ساده و عاری از هرگونه بدعت و تشریفات خرافی زائد پس از اقامه‌ی نماز به خاک سپرده شد.

خداوند متعال از ایشان و سایر دعوتگران و مصلحان راضی و خشنود گردد.

در پایان این نکته را باید عرض کنم که ما معتقدیم دین الله و شریعت پاک وبی آلائش مصطفی صلی الله علیه و آله بالاخره غالب خواهد شد، و از میان توده‌ی مردم که عشق و محبت دین در اعماق وجودشان ریشه دارد حتما کسانی بلند خواهند شد و گرد و غبار خرافات از چهره‌ی نازنین اسلام عزیز را خواهند زدود و آئینه حق را با آب زلال ایمان و یقین و اخلاص و تقوا و مجاهدت صیقل خواهند بخشید اگر چه همانند آیت الله برقی بر سر نماز گلوله برسرش شلیک کنند یا همانند استاد قلمداران در آغوش فرزندانش بر گلویش گلوله شلیک کنند یا صدها و هزارها نمونه‌ی دیگر از فداکاری‌ها و مجاهدت‌هایی که در صفحات زرین تاریخ به ثبت رسیده است اما مطمئنا کسی که طعم شیرین حقیقت را بچشد از تیر و گلوله و مردن نمی‌ترسد بلکه عاشقانه به آغوش مرگ و شهادت پر افتخار می‌رود اما حاضر نیست تن به ذلت دهد یا دست از حق پرستی بردارد.

پس مژده باد به همه حق جویان و حق پرستان و عاشقان و شیفتگان حق و حقیقت و پیروان راستین اسلام خالص و دین بی آلائش و شریعت شامل و کامل محمدی صلوات الله وسلامه علیهم.

خدایا تو را سپاس که ما را با نعمت اسلام خالص و پاک از شرک و خرافات و بدعتها سر افراز کردی و افتخار بخشیدی پس برروح پاک همه رهروان راه حق بویژه استاد حیدر علی قلمداران هزاران رحمت فرست. آمین.

التماس دعا عبدالله حیدری

Haidari11@gmail.com